

## رابطه‌ی بین ویژگی‌های شخصیتی مادران با ویژگی‌های شخصیتی و خلاقیت فرزندان

حمیده توکلی حامد<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرنند. کارمند مرکز مشاوره دانشگاه شهید باهنر

دکتر افسانه توحیدی

استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

دکتر عباس رحمتی

دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

### چکیده

پژوهش حاضر باهدف تعیین رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی مادران با ویژگی‌های شخصیتی و خلاقیت فرزندان آنان، در پایه دوم دبیرستان رشته کار و دانش شهرستان جیرفت در سال تحصیلی ۹۲ - ۱۳۹۱ انجام شد. روش توصیفی از نوع همبستگی بود. نمونه‌ای شامل ۱۸۰ نفر از دانش‌آموزان، بر مبنای جدول کرجسی و مورگان، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و پرسشنامه‌های شخصیتی آیزنک (آیزنک و آیزنک، ۱۹۶۳) و خلاقیت عابدی (اونیل، عابدی و اسپیلبرگر، ۱۹۹۴) را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و همبستگی متعارف کانونی استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که بین روان‌گسستگی مادران با خلاقیت فرزندان، رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد ( $p=0/001$ ). بین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی ( $p=0/02$ ) و دروغ‌گویی فرزندان ( $p=0/01$ ) با خلاقیت آنان و بین روان‌گسستگی فرزندان با خلاقیت آنان ( $p=0/001$ ) رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتیجه گرفته می‌شود که با توجه به همبستگی بالای ویژگی‌های شخصیتی با خلاقیت و رابطه ویژگی‌های شخصیتی مادران با ویژگی‌های شخصیتی فرزندان، به نظر می‌رسد برنامه‌های مشاوره و فعالیت‌های آموزشی در راستای رشد و پرورش خلاقیت فرزندان باید به نقش هم‌زمان و متعامل ویژگی‌های شخصیتی فرزندان و مادران آنان توجه نماید.

**واژه‌های کلیدی:** شخصیت، روان‌گسستگی، برون‌گرایی، دروغ‌گویی، خلاقیت

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیکی: hs.tavakoli@gmail.com

آدرس پستی: ایران، کرمان. خیابان شهید مصطفی خمینی، کوچه ۱۱، شرقی ۴، پلاک ۲۷۷. کدپستی: ۷۶۱۶۸۸۴۳۳۱

وصول: ۱۳۹۴/۰۴/۲۴ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۴

## The Relationship between the Mothers' Personality Traits and Their Children's Personality Traits and Creativity

Tavakolli Hamed, H., Towhidi, A., Rahmati, A.

(Received: 15 Jul, 2015-Accepted: 4 Jul, 2016)

### Abstract

This research was carried out with the purpose of determining the relationship between mothers' personality traits and their children's personality traits and creativity. To conduct this correlational study, 180 students of high school in Work-and-Knowledge major in Jiroft city were selected and were asked to complete Eysenck personality (Eysenck & Eysenck, 1963) and Abedi creativity (O'Neil, Abedi, & Spielberger, 1994) questionnaires. To analyze the data, Pearson correlation coefficient and the conventional canonical correlation were used. The results showed that there is a significant negative correlation between mothers' psychosis and children's creativity ( $P=0.001$ ). There was also a significant relation between students' personality traits extroversion ( $p = 0.02$ ), lying ( $P = 0.01$ ), and psychosis and their creativity ( $P = 0.001$ ). Considering the high correlation between personality traits and creativity and the relationship between personality traits of mothers and their children's personality traits. It could be concluded that counseling programs for families and the educational activities should pay attention to the concurrent and interactive role of the personality traits of mothers and their children.

**Keywords:** Personality, Psychosis, Extroversion, Lying, Creativity

### مقدمه

امروزه در مدارس، دانشگاه‌ها و همه مراکز آموزشی کشورهای توسعه یافته، توجه به آموزش خلاقیت، نوآوری و تربیت افراد خلاق در سرلوحه برنامه‌های آموزشی و درسی قرار گرفته است. همچنین در دنیای کنونی پیشرفت و توسعه هر جامعه را بیش از هر چیز در گرو تربیت نیروهای انسانی کارآمدی می‌دانند که بتوانند با اندیشه پویا و خلاق خود، امکانات بالقوه موجود در آن جامعه را به امکانات بالفعل و قابل استفاده تبدیل نمایند (احمدی، ۱۳۹۰). همچنین در جامعه باید افرادی پرورش یافته شوند که برای اندیشیدن، نوآوری، شناخت و مقابله با موقعیت‌های دشوار ساخته شوند، یعنی از اطلاعات به‌عنوان مواد خام و نه محصول

نهایی استفاده شود و از کسب دانش و حفظ مطالب، باید بر یادگیری خلاق تأکید شود (نادری اثر، ۱۳۸۷). نوآوری‌ها و خلاقیت‌های ذهنی و بالطبع شناسایی هدایت و حمایت از صاحبان اندیشه خلاق و تفکر واگرا، مسئله‌ای است که بیش از هر چیز، توجه کارگزاران صنعتی را به خود جلب نموده و این اندیشه‌ها از گران‌بهارترین سرمایه‌های هر جامعه و ملتی هستند و جامعه ما بیش از هر زمان دیگری نیازمند افراد هوشمند، خلاق و نوآور است و برای ادامه حیات خود نیازمند است که قدرت خلاقیت کودکان را توسعه دهد و آن را مورد استفاده قرار دهد. نظریه‌های متعددی در مورد خلاقیت مطرح شده است، به‌طور کلی خلاقیت عبارت است از: توانایی استخراج افکار و تجربه‌های گذشته و ترکیب آن‌ها به شیوه‌های بدیع (پارک، گیسون و فولی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). خلاقیت به شیوه‌های متعدد بیان می‌شود و آن را به صورت یک مجموعه‌ای می‌بینند که متأثر از عوامل مختلف نظیر شخصیت، آرایش ژنتیکی، محیط‌های اجتماعی، عوامل زیست‌شناختی و فرهنگ است (پارک و فولی، ۲۰۰۵؛ رانکو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). هر شخص به ویژگی‌های شخصیت و برخی ویژگی‌های فکری که تا حدودی سازگار و درازمدت هستند مربوط می‌شوند. میرلوحی، مولوی و آتش پور (۱۳۸۶) معتقدند که خلاقیت به عوامل محیطی و خانوادگی بستگی دارد. خانواده‌های خلاق به ویژگی‌های درونی نظیر پابندی به ارزش‌ها، علاقه‌مند بودن به چیزی و صراحت و رک‌گویی بیش از ویژگی‌های بیرونی نظیر خانواده خوب، حسن سلوک و کوشا بودن اهمیت می‌دهند زیرا خانواده‌های خلاق به‌ظاهر از نظر الگوی رفتاری تمایل به خطر کردن و استقلال را دارند (بهروزی، ۱۳۷۵) و این الگوهای رفتاری والدین نیز متأثر از ویژگی‌های شخصیتی اولیاء است. به‌عنوان مثال الگوی سلطه‌جو بودن پدر و مادر، اجازه رشد به شخصیت کودک خود نمی‌دهد، در نتیجه یکی از ویژگی‌های شخصیتی این کودکان، درون‌گرایی مفرط و گوشه‌گیری است (مینجر<sup>۳</sup>، بی.تا). همچنین مولینیوکس و دیلالا<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) در پژوهشی که هدف، در اصل بررسی ارتباط بین پیچیدگی بازی‌های وانمودی، خلق کودک و خلاقیت والدین به‌عنوان پیش‌بینی کننده‌های سنین ۱۰ تا ۱۴ سالگی کودکان بود. تمامی رفتارهای بازی‌های وانمودی<sup>۵</sup> و

<sup>1</sup> Gibson, Folley, Park

<sup>2</sup> Runco

<sup>3</sup> Meninger

<sup>4</sup> Mullineaux & DiLalla

<sup>5</sup> Pretend play behaviors

رتبه‌بندی والدین از خلق کودک در سن پنج‌سالگی مورد ارزیابی قرار گرفت و زمانی که کودکان به سنین بین ۱۰ تا ۱۴ سال رسیدند، خانواده‌ها مجدداً دعوت شدند که در بخش پیگیری پژوهش مشارکت کنند. نتایج تحلیل‌های مسیر<sup>۱</sup> دلالت بر این داشتند که بازی وانمودی واقعی پیش‌بینی‌کننده‌های خلاقیت در اوایل نوجوانی است. انجام یک تحلیل مسیر اضافی نشان داد که خلاقیت والدین خلاقیت کودکان یا بازی وانمودی کودکان در سن پنج‌سالگی را مورد پیش‌بینی قرار نمی‌دهد ولی رفتار بازی وانمودی بخش مهم خلاقیت را در بخش‌های بعدی زندگی کودک خواهند بود.

مطالعات مختلف نیز نشان داده‌اند که ویژگی‌های شخصیتی مادران بر ویژگی‌های شخصیتی فرزندان آن‌ها اثر می‌گذارد (لی، لی و نون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸؛ هولدن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). روان‌شناسان جدید در مورد خلاقیت و تفکر خلاق نیز مانند سایر فرآیندها و پدیده‌های روانی بر کثرت حقایق و عوامل تأکید می‌کنند، این عوامل مؤثر بر خلاقیت را به چهار گروه تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: انگیزش‌ها، عوامل روانی-اجتماعی، مشخصه‌های سنی و صفات فردی شخصیت (آهنگر کميجانی، ۱۳۷۹). از جمله عوامل روانی-اجتماعی، اضطراب است، اضطراب در برخی موارد به خلاقیت ختم می‌شود. مرادپور، رستمی-مالخلیفه، بهزادی و شهروانی<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) طی تحقیقی دریافتند، اضطراب مادر با عملکرد فرزندش رابطه معکوسی دارد. هرچه اضطراب مادران بیشتر می‌شود عملکرد در ریاضی بیشتر کاهش می‌یابد و یا برعکس. گرچه این یافته غیرمنطقی به نظر می‌رسد ولی می‌تواند به طور غیرمستقیم نتیجه گرفت که احتمالاً اضطراب مادر با خلاقیت کودک نیز رابطه دارد. همچنین تحقیقات دانلز<sup>۵</sup> در سال ۱۹۹۷ نشان داده‌اند که ویژگی‌های کودکان با بزرگسالان آنان مانند مهارت شناختی، صفات شخصیت و بسیاری از رفتارها با وراثت آن‌ها ارتباط مستقیم دارد (دانکن، کلایل، میرف تیپر و پین<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲) و صفات خلق و خوی کودک می‌تواند وابسته به خلق و خوی والدین باشد (ریتو، استانگر، مک کی، دویلی و هادزیاک<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰). روان تحلیل‌گران ویژگی‌های مادر را عامل تأثیرگذار مهمی در رشد کودک می‌دانند. از این دیدگاه، ماهیت

<sup>1</sup> Path analyses

<sup>2</sup> Lee, Lee & Known

<sup>3</sup> Holden

<sup>4</sup> Moradpour, Rostamy-Malkhalifeh, Behzadi, & Shahvarani

<sup>5</sup> Daniels

<sup>6</sup> Duncan, Kalil, Mayer, Tepper, & Payne

<sup>7</sup> Rettew, Stanger, McKee, Doyle & Hudziak

رابطه والدین با کودک طی دوران نوزادی و کودکی عامل علی اساسی در شخصیت کودک است (بن رضوی، ۱۳۹۰).

یافته‌های پژوهشی آشکار ساختند که فرزندان مادران درون‌گرا، در غیاب مادر و جدایی از او، آسان‌تر و زودتر درمانده می‌شوند، بنابراین با خصوصیات شخصیتی مادر و رفتار او ارتباط مستقیم دارند (میر، دانکن و کیلیل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). مادران مقتدر دارای فرزندان خلاق هستند. به عبارت دیگر اقتدار مادر با خلاقیت فرزندش رابطه دارد (نیکوفر و سقه‌السلام<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). بسیاری از افراد بر شباهت بین خلاقیت خود و مادرانشان اذعان دارند. به‌طور مثال گیلوری<sup>۳</sup> (۲۰۱۵) در گزارشی ادعا کرد که خلاقیت هنری مادر در طول سال‌های طولانی بر خلاقیت او اثر گذاشته است به صورتی که او در سال‌های بعد به این نتیجه رسیده است که در بخش‌های انتخاب رنگ و بافت از خلاقیتی شبیه خلاقیت مادرش برخوردار بوده است.

در تحقیقات متعدد نیز به این نتیجه رسیدند که بین ویژگی‌های شخصیتی مادران و خلاقیت کودکان رابطه وجود دارد (دسفورجز و ابوچار<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳؛ تننت و برتلسن<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷؛ سینف<sup>۶</sup>، ۱۹۸۷؛ نیکولاس<sup>۷</sup>، ۱۹۶۴) ولی برخی این رابطه را رد می‌کنند (هیلی و راکلیج<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶؛ والینگا و کریز<sup>۹</sup>، ۱۹۷۹). پژوهش گنجی، نیوشا، هدایتی<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۲) در مورد اثربخشی آموزش خلاقیت به مادران بر خلاقیت کودکان پیش‌دستانی آن‌ها بود. نتایج نشان داد که بین دو گروه آزمایش و گواه برحسب اصالت<sup>۱۱</sup>، روانی<sup>۱۲</sup>، بسط‌درستی<sup>۱۳</sup> و خلاقیت تفاوت معنی‌دار وجود دارد، ولی در اجزای انعطاف‌پذیری<sup>۱۴</sup> تفاوتی وجود نداشت و برحسب جنسیت تفاوتی بین دختر و پسر وجود نداشت. نتایج نشان داد که آموزش خلاقیت به مادران بر افزایش خلاقیت کودکان پیش‌دستانی اثربخشی مثبتی داشت.

در طی ۵۰ سال اخیر پژوهش‌های متعددی انجام دادند تا رگه‌ها و نیم‌رخ‌های شخصیتی افراد بسیار

<sup>1</sup> Mayer, Duncan, & kalil

<sup>2</sup> Nikoogoftar & Seghatoleslam

<sup>3</sup> Guillory

<sup>4</sup> Desforjes & Abouchaar

<sup>5</sup> Tennent & Berthelsen

<sup>6</sup> Singh

<sup>7</sup> Nichols

<sup>8</sup> Healey & Rucklidge

<sup>9</sup> Wallinga & Crase

<sup>10</sup> Ganji, Niusha, & Hedayati

<sup>11</sup> originality

<sup>12</sup> fluid

<sup>13</sup> extending authenticity and creativity

<sup>14</sup> flexibility

خلاق را از افراد دارای خلاقیت کم متمایز کنند (بیتی، پرموزیک، چامورو، فارنهام و کرامپ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹؛ رانکو، ۱۹۸۶؛ پارک و همکاران، ۲۰۰۹) و نیز دریافتند، افراد دارای گرایش روان رنجوری و روان پریشی در مقایسه با افراد سالم از خلاقیت کمتری برخوردارند (کروس و راینر<sup>۲</sup>، ۱۹۷۹). بین گرایش به روان گسستگی و خلاقیت رابطه منفی معنی داری وجود دارد (خلیلی، ۱۳۸۳) و به طور کلی کروپلی و آرتو<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) دریافتند، افرادی که در زمینه‌ی خلاقیت نمره بالایی کسب کرده بودند از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی‌شان، افراد سالمی بودند (ممینی، ۱۳۷۹).

شریفی (۱۳۸۳) در پژوهشی نشان داد، میان عامل‌های شخصیتی برون‌گرایی، وجدان، انعطاف‌پذیری و خلاقیت رابطه مثبتی وجود دارد ولی میان عامل شخصیتی توافق‌پذیری و گرایش به روان‌نژندی با خلاقیت رابطه معناداری مشاهده نشد. نتایج پژوهش طهماسیان، افشارنیا، محمدی و کاکابرابی (۱۳۸۹)، زارع، آگاه‌هریس و بیات (۱۳۸۸) و نیز پورتر، فاجز و کومار<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) پژوهش شریفی را تأیید می‌کنند (مصطفایی، ۱۳۸۹) با این تفاوت که زارع و همکاران (۱۳۸۸) بین خلاقیت با نوروگرایی همبستگی منفی به دست آوردند. جوکار و البرزی (۱۳۸۹) نیز دریافتند، برون‌گرایی پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار خلاقیت هیجانی و خلاقیت شناختی است و روان‌نژندی پیش‌بینی‌کننده منفی خلاقیت شناختی بودند. مک کری و کوستا<sup>۵</sup> (۱۹۸۷) به رابطه مثبت بین خلاقیت با گشودگی به تجربه و برون‌گرایی اشاره می‌کنند. زانگ<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) نیز مطرح می‌کند که سبک‌های تفکر خلاق، مولد و پیچیده با برون‌گرایی و گشودگی ارتباط دارد.

با توجه به آنچه بیان شد، خلق و خوی کودک متأثر از خلق و خوی والدین است. خصوصاً مادر به علت تماس مداوم و طولانی با فرزندان، سهم اصلی را در تربیت آن‌ها دارد و فرزندان، بسیاری از خلق و خوی خود را از مادرانشان دریافت می‌کنند. از سوی دیگر، وجود عاطفه مادری در زن سبب می‌شود که او با همت، توجه و علاقه بیشتر به انجام کارهای مربوط به فرزندان خود مشغول شود و به‌طور طبیعی بیش از پدر آن‌ها را تحت تأثیر شخصیت خود قرار می‌دهد (سادات، ۱۳۷۱).

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی مادران با ویژگی‌های شخصیتی و

<sup>1</sup> Biti, Premuzic, Chamorro, Fumham & Kramp

<sup>2</sup> Krause & Rainer

<sup>3</sup> Kropli & Artou

<sup>4</sup> Porter, Fuchs & Kumar

<sup>5</sup> Mc.crare & Costa

<sup>6</sup> Zhang

خلاقیت فرزندان آنان است، بر این مبنا آنچه مورد سؤال است اینکه بین ویژگی‌های شخصیتی مادران و فرزندان آنان در ابعاد مختلف آن با خلاقیت چه ارتباطی وجود دارد؟  
ضرورت دارد که پژوهشی در حوزه ویژگی‌های شخصیتی مادران و ویژگی‌های شخصیتی فرزندان انجام شود زیرا نتایج برگرفته از پژوهش حاضر می‌تواند دارای راهبردهای کاربردی خوبی در شناخت بهتر ویژگی‌های کودکان و جهت‌دهی به آن‌ها در زمینه‌های تحصیلی و شغلی آینده آن‌ها باشد.

## روش

روش پژوهش حاضر، مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری، تمام دانش‌آموزان پایه دوم دبیرستان رشته کاردانش شهرستان جیرفت که در مجموع ۳۳۶ نفر بودند و تعداد حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) ۱۸۰ نفر که مطابق فرمول کوکران نیز همین مقدار تعیین شد و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابتدا فهرست تمام مدارس فنی و حرفه‌ای از اداره آموزش و پرورش شهرستان دریافت و سپس با مراجعه به مدارس، از بین تعداد کلاس‌های پایه دوم رشته کار و دانش یک کلاس به‌طور تصادفی ساده (قرعه‌کشی) انتخاب و پرسشنامه‌ها بین دانش‌آموزان توزیع شد. پرسشنامه مربوط به مادران این دسته از دانش‌آموزان نیز با دعوت توسط مربی یا مشاور مدرسه توسط مادران دانش‌آموزان در محل آموزشگاه به‌طور حضوری تکمیل گردید. در تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و ضریب همبستگی کانونی (متعارف) به کمک نرم‌افزار SPSS19 و نرم‌افزار SAS9.1 استفاده شده است.

## ابزار

**پرسشنامه شخصیت آیزنک:** پرسشنامه شخصیتی آیزنک<sup>۲</sup> در سال ۱۹۶۳ ساخته شد. این پرسشنامه شخصیت آیزنک برای زنان و مردان سنین ۱۶ سال به بالای ایرانی تنظیم شده است و دارای ۹۰ پرسش و چهار مقیاس برون‌گرایی، روان‌گسسته‌گرایی، روان‌آزرده‌گرایی و دروغ‌گویی است که سه بعد بنیادی شخصیت را می‌سنجد (آیزنک و آیزنک، ۱۹۶۳). در ایران این پرسشنامه در سال ۷۱-۱۳۷۰ در

<sup>۱</sup> Krejcie & Morgan

<sup>۲</sup> Eysenck Personality Questionnaire (EPQ)

شماری از دختران و پسران ۱۸-۱۲ ساله هنجاریابی شد. پایایی مقیاس‌های چهارگانه ه ترتیب ۰/۸۲، ۰/۷۰، ۰/۷۲ و ۰/۸۲ گزارش شده است (اکبری و آقاییوسفی، ۱۳۸۹). این پرسشنامه با روش آزمون - باز آزمون، طی دو بار اجرا به فاصله یک ماه بر روی نمونه ۲۳۰ نفری، ضرایب همبستگی برای مردان ۰/۸۷، ۰/۸۳، ۰/۷۶ و برای زنان ۰/۸۱، ۰/۸۹، ۰/۸۱ و ۰/۸۰؛ و ضریب پایایی با روش بازآزمایی برای سنین بزرگسالان ۰/۸۸، ۰/۸۹، ۰/۹۲، ۰/۷۲ گزارش شده است که نشان‌دهنده پایایی بسیار بالا و قابل قبول آن است (موسسه علوم رفتاری - شناختی سینا، ۱۳۸۹).

**آزمون خلاقیت عابدی:** فرم کنونی این آزمون در اصل در سال ۱۹۹۴ توسط عابدی و دانشجویان او (اونیل، عابدی و اسپیلبرگر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴) ساخته شد و دارای ۶۰ ماده سه گزینه‌ای است. گزینه‌ها نشان‌دهنده خلاقیت از کم تا زیاد است. برای محاسبه روایی آزمون (۱۳۶۳) به ۲۰۰ نفر از دانش آموزان سوم راهنمایی هم‌زمان با آزمون خلاقیت عابدی، آزمون خلاقیت تورنس داده شد. ضریب همبستگی بین نمره کل آزمون تورنس و نمره کل آزمون جدید معادل ۰/۴۶ به دست آمد (موسسه علوم رفتاری - شناختی سینا، ۱۳۸۹). این آزمون توسط کفایت در سال ۱۳۷۳ با استفاده از روش تصیف و آلفای کرون‌باخ در کل آزمون پایایی آن را بین ۰/۸۱ تا ۰/۸۷ گزارش کرده است (گل شکوه، احدی، عنایتی، عسگری حیدری و پاشا، ۱۳۸۹).

## یافته‌ها

نتایج تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی و استنباطی ارائه شده است.

نتایج تحلیل توصیفی: میانگین و انحراف معیار نمرات کسب شده توسط آزمودنی‌ها به ترتیب در متغیرهای برون‌گرایی مادران ۱۲/۸۵ و ۲/۶۹ (۱۲/۸۵ ± ۲/۶۹)؛ روان‌گسسته‌گرایی مادران ۶/۵۶ و ۳/۹۹ (۶/۵۶ ± ۳/۹۹)؛ روان‌آزردگی مادران ۱۲/۴۲ و ۴/۱۰ (۱۲/۴۲ ± ۴/۱۰)؛ دروغ‌گویی مادران ۱۳/۷۸ و ۳/۹۷ (۱۳/۷۸ ± ۳/۹۷)؛ برون‌گرایی فرزندان ۱۳/۲۶ و ۲/۷۲ (۱۳/۲۶ ± ۲/۷۲)؛ روان‌گسسته‌گرایی فرزندان ۶/۵۸ و ۳/۶۰ (۶/۵۸ ± ۳/۶۰)؛ روان‌آزردگی فرزندان ۱۲/۷۲ و ۳/۶۷ (۱۲/۷۲ ± ۳/۶۷)؛ دروغ‌گویی فرزندان ۱۲/۵۵ و ۴/۱۲ (۱۲/۵۵ ± ۴/۱۲)؛ خلاقیت فرزندان ۶۷/۸۲ و ۱۵/۶۹ (۶۷/۸۲ ± ۱۵/۶۹) به دست آمد.

<sup>1</sup> Oneil, Spil, berger



نتایج همبستگی بین متغیرهای شخصیتی مادران و فرزندان با خلاقیت در جدول شماره یک ارائه شده است.

جدول ۱. همبستگی بین ویژگی‌های شخصیتی مادران با ویژگی‌های شخصیتی و خلاقیت فرزندان

معنی‌داری	ضریب همبستگی	متغیر
۰/۴۵	-۰/۰۸	برونگرایی مادران و خلاقیت فرزندان
۰/۰۰۱*	-۰/۳۲	روان گسسته‌گرایی مادران و خلاقیت فرزندان
۰/۶۴	-۰/۰۵	روان آزرده‌گرایی مادران و خلاقیت فرزندان
۰/۰۶	۰/۲۰	دروغ‌گویی مادران و خلاقیت فرزندان
۰/۰۲*	۰/۲۴	برونگرایی فرزندان و خلاقیت آنان
۰/۰۰۱*	-۰/۵۷	روان گسسته‌گرایی فرزندان و خلاقیت آنان
۰/۱۶	-۰/۱۵	روان آزرده‌گرایی فرزندان و خلاقیت آنان
۰/۰۱*	۰/۲۶	دروغ‌گویی فرزندان و خلاقیت آنان

به استناد جدول شماره یک، بین چهار بعد از ویژگی‌های شخصیتی مادران، تنها بعد روان گسستگی مادران با خلاقیت فرزندان، در سطح  $p < ۰/۰۵$  رابطه‌ی منفی معنی‌داری وجود دارد و بین ویژگی‌های شخصیتی برونگرایی و دروغ‌گویی فرزندان با خلاقیت آنان، در سطح معنی‌داری  $p = ۰/۰۲$  و  $p = ۰/۰۱$  رابطه‌ی مثبتی وجود دارد و بین روان گسستگی فرزندان با خلاقیت آنان، با سطح معنی‌داری  $p = ۰/۰۰۱$  نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی منفی معنی‌داری است. نتایج ضریب همبستگی کانونی در جدول شماره ۲ ارائه شده است و نتایج در جداول بعدی به ترتیب ارائه شده است.

جدول ۲. آزمون‌های معنی‌داری برای مدل کامل تحلیل همبستگی کانونی

نام آزمون	معنی‌داری	درجه آزادی خطا	درجه آزادی	F	مقدار
آزمون ویلکز	$< ۰/۰۰۰۱$	۲۱۴/۴۹	۱۶	۶/۱۹	۰/۳۱
آزمون اثر پیلاپی	$< ۰/۰۰۰۱$	۲۹۲	۱۶	۵/۳۳	۰/۹۰
آزمون هتلیینگ	$< ۰/۰۰۰۱$	۱۳۴/۱۱	۱۶	۶/۶۴	۱/۵۳
آزمون روی	$< ۰/۰۰۰۱$	۷۳	۴	۱۷/۵۵	۰/۹۶

در جدول دو، ابتدا نتایج آزمون‌های معنی‌داری چند متغیری کلی برای کل مدل به کاررفته، با

استفاده از چهار شاخص معنی داری چند متغیری مختلف، یعنی آزمون‌های ویلکز، بیلابی، هتلینگ و روی<sup>۱</sup>، ارائه می‌شود. سپس ضرایب همبستگی کانونی و آزمون‌های چند متغیری برای هر یک از ابعاد نشان داده می‌شود. با توجه به معنی داری آزمون‌های معنی داری چند متغیری، دو مجموعه متغیرهای مورد پژوهش، به صورت معنی داری توسط همبستگی کانونی با هم مرتبط می‌باشند (حداقل دارای یک رابطه معنی داری می‌باشند). این آزمون، معنی داری اولین همبستگی کانونی را نشان می‌دهد اما لزوماً معنی داری دومین، سومین و یا چهارمین بعد را بیان نمی‌کند. در صورتی که اولین همبستگی کانونی معنی دار نباشد، سایر همبستگی‌ها نیز معنی دار نخواهند بود. لازم به ذکر است یکی از مفروضه‌های آماری و شرایط استفاده در همبستگی کانونی، نرمال بودن چند متغیری متغیرهای وابسته است که در صورت نبود برقراری این مفروضه‌ها از روش‌های مختلف تبدیل داده‌های مختلف استفاده می‌شود. دومین مفروضه آماری، استقلال است که شرکت کنندگان در تحقیق باید مستقل از یکدیگر باشند، به لحاظ آزمایشی می‌توان گفت اگر شرکت کنندگان به صورت تصادفی انتخاب شوند، فرض استقلال برقرار می‌شود. پیش از انجام تحلیل‌های آماری، مفروضه‌های آماری کنترل و مشخص شد که آن‌ها رعایت شده‌اند.

نتایج تحلیل مربوط به ویژگی‌های حاصل از تحلیل کانونی در جدول شماره سه ارائه شده است.

جدول ۳. ویژگی‌های توابع حاصل از تحلیل کانونی

شماره تابع (مجموعه)	همبستگی کانونی	مجذور همبستگی	درصد تراکمی	درصد	مقدار ویژه
۱	۰/۷۰	۰/۴۹	۰/۶۲	۰/۶۲	۰/۹۶
۲	۰/۵۷	۰/۳۲	۰/۹۳	۰/۳۱	۰/۴۸
۳	۰/۲۶	۰/۰۷	۰/۹۸	۰/۰۴	۰/۰۷
۴	۰/۱۳	۰/۰۱	۱/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۱

همان‌گونه که در جدول شماره سه ملاحظه می‌شود مجذور همبستگی کانونی ( $R^2$ ) توابع به ترتیب برابر با ۰/۴۹، ۰/۳۲، ۰/۰۷ و ۰/۰۱ است. توابعی که کمتر از ۱۰٪ واریانس را تبیین

<sup>1</sup> Pillais, Hotellings, Wilks & Roys

کنند، باید کنار گذاشته شوند و قابل تفسیر نیستند (شری و هنسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵)؛ بنابراین توابع اول و دوم ۴۹٪ و ۳۲٪ از واریانس مشترک را تبیین می‌کنند و تفسیر می‌شوند و توابع سوم و چهارم تفسیر نمی‌شوند.

علاوه بر روش فوق، آزمون معنی‌داری توابع به کمک تحلیل کاهش بعد، نیز به محقق اجازه می‌دهد تا به کمک چیدمان سلسله‌مراتبی توابع معنی‌داری آن‌ها را آزمون نماید. جدول چهار نتایج تحلیل کاهش بعد توابع چهارگانه این پژوهش را نشان می‌دهد. نتایج تحلیل کاهش بعد برای توابع کانونی در جدول شماره چهار ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل کاهش بعد برای توابع کانونی

شماره تابع	ریشه‌ها	F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	معنی‌داری
۱	۱ تا ۴	۶/۱۹	۱۶	۲۱۴/۴۹	۰/۰۰۰۱
۲	۲ تا ۴	۴/۲۴	۹	۱۷۲/۹۵	۰/۰۰۰۱
۳	۳ تا ۴	۱/۷۰	۴	۱۴۴	۰/۱۵
۴	۴ تا ۴	۱/۳۶	۱	۷۳	۰/۲۴

بر اساس داده‌های مندرج در جدول شماره چهار، نتایج آزمون F، نشان می‌دهد که دو بعد از ۴ بعد همبستگی کانونی، از نظر آماری معنی‌دار، یعنی اولین ( $F=6/19, p=0/0001$ ) و دومین بعد ( $F=4/24, p=0/0001$ ) هستند. سومین ( $F=144, p=0/15$ ) و چهارمین ( $F=73, p=0/24$ )، همبستگی کانونی به دست آمده معنی‌دار نیستند. اولین آزمون ابعاد این فرضیه را می‌آزماید که آیا هر چهار بعد به دست آمده از معنی‌دار هستند ( $p=0/0001$ )، آزمون بعدی، ترکیب ابعاد دو تا چهار را می‌آزماید. آزمون سوم ترکیب سه و چهار را می‌آزماید و در نهایت آخرین آزمون به این موضوع می‌پردازد که آیا چهارمین بعد به تنهایی معنی‌دار است یا خیر. در پژوهش حاضر دو بعد (ابعاد اول و دوم) از نظر آماری معنی‌دار هستند و دو بعد (ابعاد سوم و چهارم) معنی‌دار نیستند.

بار کانونی و ضریب کانونی استاندارد شده برای مجموعه‌های اول و دوم متغیرهای ملاک و پیش‌بین در جدول شماره پنج ارائه شده است.

<sup>1</sup> Sherry & Henson

جدول ۵. بار کانونی و ضریب کانونی استاندارد شده برای مجموعه‌های اول و دوم متغیرهای ملاک و پیش‌بین

مجموعه دوم		مجموعه اول		شاخص متغیر	متغیر کانونی
ضریب کانونی استاندارد شده	بار کانونی	ضریب کانونی استاندارد شده	بار کانونی		
-۰/۵۴	-۰/۲۳	۰/۹۷	۰/۹۶	برونگرایی	ویژگی‌های شخصیتی مادران
۰/۸۵	۰/۸۸	۰/۲۶	۰/۳۳	روان گسسته‌گرایی	
۰/۱۵	۰/۱۱	۰/۰۵	-۰/۱۴	روان آزرده‌گرایی	
-۰/۳۹	-۰/۲۳	۰/۰۴	-۰/۶۵	دروغ‌گویی	
-۰/۶۱	-۰/۲۴	۰/۹۴	۰/۹۴	برونگرایی	ویژگی‌های شخصیتی فرزندان
۰/۷۹	۰/۸۶	۰/۳۳	۰/۴۲	روان گسسته‌گرایی	
-۰/۰۳	۰/۰۹	-۰/۰۸	-۰/۴۱	روان آزرده‌گرایی	
-۰/۴۴	-۰/۳۸	۰/۱۳	-۰/۵۳	دروغ‌گویی	

در جدول شماره پنج، بار کانونی، نشانه همبستگی متغیر با متغیر کانونی است، ضرایب کانونی استاندارد شده، همانند ضرایب رگرسیون استاندارد شده در تحلیل رگرسیون هستند و نشان‌دهنده اهمیت متغیر مورد نظر در آن مجموعه است. مثلاً در مجموعه اول ویژگی‌های شخصیتی مادران و فرزندان، برونگرایی با ضرایب کانونی استاندارد شده ۰/۹۷ و ۰/۹۴ و در مجموعه دوم ویژگی‌های شخصیتی مادران و فرزندان، روان گسسته‌گرایی با ضرایب کانونی استاندارد شده ۰/۸۵ و ۰/۷۹ دارای بیشترین اهمیت است. این نکته را باید یادآور شد که مجموعه‌ها در تحلیل همبستگی بنیادی، همانند متغیرهای مکنون در مدل‌یابی معادلات ساختاری یا تحلیل عاملی هستند که به آن‌ها متغیر کانونی می‌گویند (هومن، ۱۳۸۵). در نهایت برای شناسایی متغیرهای معنادار در مجموعه‌ها، تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۷)، پیشنهاد می‌کنند که بار کانونی ۰/۳۰ و بیشتر هر متغیر، نشانه معنادار بودن آن در مجموعه خودش است؛ بنابراین متغیرهای معنادار در مجموعه اول ویژگی‌های شخصیتی مادران شامل برونگرایی (۰/۹۶)، روان گسسته‌گرایی (۰/۳۳) و دروغ‌گویی (۰/۶۵-) است. در مجموعه اول ویژگی‌های شخصیتی فرزندان نیز متغیرهای معنادار شامل برونگرایی (۰/۹۴)، روان گسسته‌گرایی (۰/۴۲)، روان آزرده‌گرایی (۰/۴۱-) و دروغ‌گویی (۰/۵۳-) است. با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت هرچقدر در مادران ویژگی‌های برونگرایی و روان گسسته‌گرایی بیشتر و ویژگی دروغ‌گویی کمتر باشد، فرزندان نیز ویژگی‌های برونگرایی و

روان گسسته‌گرایی بیشتر و ویژگی‌های روان آزرده‌گرایی و دروغ‌گویی کمتری خواهند داشت. در مجموعه دوم نیز متغیرهای معنادار ویژگی‌های شخصیتی مادران فقط شامل روان گسسته‌گرایی (۰/۸۸) و در مجموعه ویژگی‌های شخصیتی فرزندان نیز متغیرهای معنادار شامل روان گسسته‌گرایی (۰/۸۶) و دروغ‌گویی (۰/۳۸-) است. با توجه به این یافته نتیجه می‌گیریم که هرچقدر در مادران ویژگی روان گسسته‌گرایی بیشتر باشد، فرزندان نیز ویژگی روان گسسته‌گرایی بیشتر و ویژگی دروغ‌گویی کمتری خواهند داشت. بنا بر نتایج ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که دو مجموعه از متغیرهای مورد پژوهش، با یکدیگر رابطه (همبستگی کانونی) معنی‌داری دارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی آنکه، چه ویژگی‌های شخصیتی مادران با ویژگی‌های شخصیتی و خلاقیت فرزندان در ارتباط است که بر اساس آن بتوان به پرورش خلاقیت دست زد، انجام شد. برورنگرایی مادران و خلاقیت فرزندان رابطه وجود دارد. با توجه به تحقیقات گذشته که نشان داده‌اند روان گسستگی مادران با خلاقیت فرزندان رابطه وجود دارد (دسفورجز و ابوچار، ۲۰۰۳؛ تنتن و برتلسن، ۱۹۹۷؛ سینف، ۱۹۸۷ و نیکولاس، ۱۹۶۴) یافته این پژوهش نیز همسو با تحقیقات پیشین است و بین مؤلفه‌های دیگر ویژگی‌های شخصیتی مادران با خلاقیت فرزندان رابطه‌ای وجود نداشت که در تحقیقات پیشین نیز به عدم وجود این رابطه دست یافته بودند (هیلی و راکلیج، ۲۰۰۶؛ والینگا و کریز، ۱۹۷۹). برای داشتن کودکی خلاق، لازم است به ویژگی‌های شخصیتی مادر و نیز ارتباط وی با کودک پرداخته شود. جیمز<sup>۱</sup> دوران کودکی را به‌عنوان سرآغاز شکل‌گیری روند تفکر خلاق می‌داند (گنجی، نبوشا، هدایتی، ۲۰۱۲) و چون مادران مدت‌زمان بیشتری با فرزندان خود سپری می‌کنند آموزش باید از خانه و از سال‌های اول زندگی شروع شود. رفتار مادران از لحاظ شیوه‌های برخورد و نوع شخصیتی آن‌ها، شامل موارد متعددی است که یکی از آن موارد، مادران با حمایت فوق‌العاده است. این مادران بیشتر وظایف کودک خود را انجام می‌دهند و کودک شخصیت اتکایی پیدا می‌کند و به رشد و خلاقیت نمی‌رسد (بن رضوی،

(۱۳۹۰)، در مقابل تحقیقات نشان داده‌اند خانواده‌های آزادمش خلاقیت کودکان را افزایش می‌دهند (گنجی و همکاران، ۲۰۱۲).

در دو بعد برونگرایی و دروغ‌گویی از مجموع چهار بعد ویژگی‌های شخصیتی فرزندان، با خلاقیت آنان رابطه مستقیمی به دست آمد و این نتیجه در پژوهش حاضر با نتایج پژوهشگران دیگر، از جمله شریفی (۱۳۸۳)، طهماسبیان و همکاران (۱۳۸۹)، زارع و همکاران (۱۳۸۸)، مک کری و کوستا (۱۹۸۷) و نیز پورتر و همکاران (۲۰۰۷؛ نقل در مصطفایی، ۱۳۸۹) و جوکار و البرزی (۱۳۸۹) همسویی دارد. کلی (۲۰۰۶) نیز در مطالعه خویش نشان داد که خلاقیت با برونگرایی همبستگی مثبتی دارد و از آنجا که افراد دارای برونگرایی بالا از همراه شدن با دیگران لذت می‌برند و به راحتی دیگران را تحمل می‌کنند، در نتیجه انعطاف‌پذیری بیشتری دارند و این یک عامل جزئی از خلاقیت محسوب می‌شود.

روان‌گسسته‌گرایی فرزندان، همبستگی منفی با خلاقیت آنان دارد، تأیید این نتیجه در راستای یافته‌های پژوهشگران دیگر، از جمله کروس و رانیر (۱۹۷۹) است که بیان کردند، این افراد از خلاقیت کمتری برخوردارند (ممینی، ۱۳۷۹) و با یافته خلیلی (۱۳۸۳) همخوانی دارد.

بین روان‌آزرده‌گرایی فرزندان و خلاقیت آنان رابطه وجود ندارد که همسو با نتایج شریفی (۱۳۸۳)، طهماسبیان و همکاران (۱۳۸۹) و نیز پورتر و همکاران (۲۰۰۷؛ نقل در مصطفایی، ۱۳۸۹) است. برای تبیین این یافته می‌توان گفت از آنجا که روان‌آزرده‌گی شامل سازش نیافتگی روان‌شناختی و داشتن تجربه‌های زیادی از هیجان‌های ناخوشایند و اضطراب است (لیدرا، فولمن، الیک، ۲۰۰۷) می‌تواند باعث سرکوب فعالیت بادامه شود، به دلیل اینکه فعالیت بهینه بادامه برای تحمل تکلیف و لذت از آنرا که این دو مورد از عوامل اساسی برای بروز خلاقیت محسوب می‌شوند، حائز اهمیت است. به اعتقاد هیلمن (۲۰۰۵) افزایش اپی‌نفرین متضاد با نوآوری و خلاقیت است، زیرا هیجان‌های ناخوشایند و اضطراب با افزایش ترشح اپی‌نفرین در ارتباط هستند (زارع و همکاران، ۱۳۸۹) در نتیجه ترشح این هورمون مانع از بروز خلاقیت در فرد می‌شود که این نتیجه همسو با تحقیقات مرادپور و همکاران (۲۰۱۵) است که اضطراب مادر با خلاقیت کودک در ارتباط است.

دو مجموعه متغیر ویژگی‌های شخصیتی مادران و ویژگی‌های شخصیتی فرزندان مورد بررسی

قرار گرفت. یکی مجموعه‌ای از متغیرهای پیش‌بین (ویژگی‌های شخصیتی مادران) و دیگری مجموعه‌ای از متغیرهای ملاک (ویژگی‌های شخصیتی فرزندان) را در بر می‌گرفت. در مادران ویژگی‌های برون‌گرایی و روان‌گسسته‌گرایی بیشتر باشد و ویژگی دروغ‌گویی کمتر باشد، فرزندان‌شان نیز ویژگی‌های برون‌گرایی و روان‌گسسته‌گرایی بیشتر و ویژگی‌های روان‌آزرده‌گرایی و دروغ‌گویی کمتری نشان می‌دهند و به‌طور کلی، تحلیل همبستگی متعارف به‌دست‌آمده، نشان‌دهنده رابطه قابل توجهی بین ترکیبی از دو مجموعه متغیرها است. از میان چهار مؤلفه متغیر پیش‌بین (ویژگی‌های شخصیتی مادران)، تنها برون‌گرایی و دروغ‌گویی پیش‌بینی شونده‌های برون‌گرایی و دروغ‌گویی متغیر ملاک (ویژگی‌های شخصیتی فرزندان) را به طرز معنی‌داری پیش‌بینی می‌کردند و در دومین همبستگی قانونی، روان‌گسستگی مادران، روان‌گسستگی فرزندان را پیش‌بینی می‌کند. یافته پژوهش حاضر، نشان داد که به‌طور کلی بین ویژگی‌های شخصیتی مادران با ویژگی‌های شخصیتی فرزندان رابطه وجود دارد و همسو با یافته لی، لی و نون (۲۰۰۸) و هولدن (۲۰۱۱) است و همچنین مطالعه بیتز و همکاران (۲۰۰۰) نشان داد ارتباط مهمی بین خلق‌وخوی کودک، والدین و سازگاری آن وجود دارد (به نقل از ریتو و همکاران، ۲۰۱۰). والدین می‌توانند با فعالیت‌های روزانه فرزند خود و رابطه بین ابعاد خلق‌وخوی خود و کودکشان، سطوح درون‌گرایی و برون‌گرایی را پیش‌بینی کنند. لازم به ذکر است، از آنجایی که والدین نمی‌توانند سبک خلق‌وخوی فرزند خویش را تعیین کنند و یا تغییر دهند اما نقش آنان باید الگویی پیرامون خلق‌وخوی فرزند خود باشد. ویژگی‌ها و خصوصیات خلق‌وخویی می‌توانند در برخی موقعیت‌ها خیلی مثبت باشند و یا چالش‌انگیز باشند، فقط والدین به‌وسیله حساس بودن نسبت به شخصیت کودک خود، می‌توانند چگونه پاسخ دادن را یاد بگیرند و به سمت یک راه مفید گام بردارند (ریتو و همکاران، ۲۰۱۰).

محدودیت‌های پژوهش این بود، احتمال اینکه پاسخ مادران تحت سوگیری فرزندان خود بوده‌اند، وجود داشت و با توجه به شبانه‌روزی بودن برخی مدارس در شهرستان جیرفت، بعضی از آزمودنی‌هایی که در خوابگاه اقامت داشتند، به دلیل عدم دسترسی ایشان به خانواده، موفق به تکمیل پرسشنامه مادران نشدند. پیشنهاد می‌شود اثربخشی سایر متغیرهای تأثیرگذار از قبیل جنسیت، پایه‌های تحصیلی، رشته‌های تحصیلی، در خرده‌فرهنگ‌های مختلف، مورد پژوهش قرار

گیرند و نیز پژوهش حاضر می‌تواند روی سایر نمونه‌های پژوهشی، با جمعیت‌های دیگر انجام شود و با نتایج پژوهش حاضر مقایسه گردد.

در پایان، مراتب سپاس خود را از کلیه‌ی سروران، بالأخص اساتید فرزانه و فرهیخته‌ای که در راه کسب علم و معرفت مرا یاری نمودند ابراز می‌دارم.

## منابع

- احمدی، غلامعلی. (۱۳۹۰). جایگاه آموزش و پژوهش در تحول: بالندگی و کارآفرینی در کمیته امداد امام خمینی (ره). ارائه مقاله در همایش کمیته امداد امام خمینی (ره). تهران. کمیته امداد امام خمینی (ره).
- اکبری، مهرداد؛ آقا یوسفی، علیرضا. (۱۳۸۹). رابطه بین هوش سیال، ابعاد شخصیت و هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان. فصلنامه روانشناسی کاربردی، ۲، ۴۴-۵۸.
- آهنگر کميجانی، شهناز. (۱۳۷۹). بررسی تأثیر آموزش رسمی بر میزان خلاقیت کودکان ۵ تا ۱۲ سال شهرستان شهریار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی قم.
- بهروزی، ناصر. (۱۳۷۵). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با خلاقیت و خلاقیت با پیشرفت تحصیلی در معلمان مرد اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- بن رضوی، بهار. (۱۳۹۰). مقایسه پرخاشگری و مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه و تبیین آن‌ها بر اساس نقش تعاملی جنسیت و سبک فرزند پروری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرنند.
- جوکار، بهرام؛ البرزی، محبوبه. (۱۳۸۹). رابطه ویژگی‌های شخصیت با خلاقیت هیجانی و خلاقیت شناختی. مطالعات روان‌شناختی، ۶، ۸۹-۱۰۹.
- خلیلی، مجتبی. (۱۳۸۳). بررسی رابطه گرایش به روان‌گسستگی، استقلال-وابستگی میدانی و خلاقیت (تداعی لغات) در دانشجویان روزانه دانشگاه اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- زارع، حسین؛ آگاه هریس، مژگان؛ بیات، مریم. (۱۳۸۹). خلاقیت و رگه‌های شخصیت در دانشجویان. روان‌شناسی تحولی، ۷، ۱۵۵-۱۶۴.
- سادات، محمدعلی. (۱۳۷۱). راهنمای پدران و مادران. چاپ اول. تهران. نشر فرهنگ اسلامی.
- شریفی، حسن پاشا. (۱۳۸۳). رابطه خلاقیت و ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران. نوآوری‌های آموزشی، ۳، ۱۲-۳۱.
- صادقی مال امیری، منصور؛ ریسی، محبت. (۱۳۸۹). ارائه مدل مفهومی برای سنجش خلاقیت. دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، ۷، ۹۷-۱۱۲.
- طهماسبیان، حجت‌الله؛ افشارنیا، کریم؛ محمدی، شراره؛ کاکابرایی، کیوان. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیت با خلاقیت در دانشجویان دختر و پسر. اندیشه و رفتار، ۱۶، ۳۲۰-۳۲۰.



- گل شکوه، فرزانه؛ احدی، حسن؛ عنایتی، میر صلاح‌الدین؛ عسگری، پرویز؛ حیدری، علیرضا؛ پاشا، غلامرضا. (۱۳۸۹). رابطه بین سبک‌های تفکر، انگیزه پیشرفت، پیشرفت تحصیلی و خلاقیت با کارآفرینی دانشجویان. یافته‌های نو در روانشناسی، ۴، ۱۰۵-۱۱۸.
- گنجی، کامران؛ نیوشا، بهشته؛ هدایتی، فاطمه. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش خلاقیت به مادران بر افزایش خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۲، ۷۱-۹۳.
- مصطفایی، محمد. (۱۳۸۹). رابطه میان خلاقیت و ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد سردشت. پایان‌نامه کارشناسی. دانشگاه پیام نور آذربایجان غربی.
- ممینی، رحم‌خدا. (۱۳۷۹). رابطه خلاقیت، خودشکوفایی و عزت‌نفس آموزگاران مرد با سلامت روانی و عملکرد شغلی آنان و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه‌های سوم تا پنجم دبستان‌های باغ‌ملک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- مینجر، ویلیام. (بی‌تا). رشد شخصیت و بهداشت روانی. عشرت نظیری (۱۳۷۰). چاپ سوم. تهران. انجمن اولیاء و مربیان.
- موسسه تحقیقات علوم رفتاری- شناختی، سینا. (روان تجهیز). (۱۳۸۹). تهران. روان‌سنجی.
- میرلوحی، فخری‌السادات؛ مولوی، حسین؛ آتش‌پور، سید حمید. (۱۳۸۶). رابطه بین جو عاطفی خانواده و خلاقیت دانش‌آموزان کلاس چهارم و پنجم دبستان. دانش و پژوهش در روان‌شناسی، ۳۱، ۶۹-۸۲.
- نادری اثر، محمدحسن. (۱۳۸۷). رابطه بین شیوه‌های فرزند‌پروری و سبک‌شناختی و خلاقیت در دانش‌آموزان دختر و پسر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۵). تحلیل داده‌های چندمتغیری در پژوهش رفتاری. تهران. پارسا.
- Desforges, C., Abouchaar, A. (2003). The impact of parental involvement, parental support and family education on pupil achievement and adjustment: A literature review. Research Report. No. 433. Retrieved March 1, 2012 from [http://bgfl.org/bgfl/custom/files\\_uploaded/uploaded\\_resources/18617/Desforges.pdf](http://bgfl.org/bgfl/custom/files_uploaded/uploaded_resources/18617/Desforges.pdf).
- Eysenck, H., Eysenck, S. B. G. (1963). Eysenck personality inventory. Windsor: NFER-Nelson.
- Furnham, A., Crump, J., Batey, M., & Chamorro-Premuzic, T. (2009). Personality and ability predictors of the consequences test of divergent thinking in a large non-student sample. *Personality and Individual Differences*, 46, 536-540.
- Ganji, K., Niusha, B., & Hedayati, F. (2012). The effect of creativity training to mothers on creativity of their preschool children. *Innovation and Creativity in Human Science*, 2(2), 71-93.
- Gibson, C., Folley, B. S., & Park, S. (2009). Enhanced divergent thinking and creativity in musicians: A behavioral and near-infrared spectroscopy study. *Brain and Cognition*, 69, 162-169.
- Guillory, L. (2015). My mother's creative child. Retrieved March 1, 2012 from <http://www.mymotherschild.com/dedication.html>.
- Healey, D., Rucklidge, J. J. (2006). An investigation into the psychosocial functioning of creative children: The impact of ADHD symptomatology. *Journal of Creative Behavior*, 40(4), 243-264.
- Holden, S. M. (2011). Role reversal between mothers with borderline personality disorder and their children during reunion. University of Tennessee Honors Thesis Projects, Retrieved March 1, 2012 from [http://trace.tennessee.edu/utk\\_chanhonoproj/1380](http://trace.tennessee.edu/utk_chanhonoproj/1380).
- Kelly, K. E. (2006). Relationship between the five factor model of personality and the scale of creative attributes and behavior: A validation study. *Individual Differences Research*, 4(5), 299-305.

- Krejcie, R. V., Morgan, D. W. (1970). Determining Sample Size for Research Activities. *Educational and Psychological Measurement*.
- Lee, S. J., Known, J., Lee, Y. J. (2008). Personality characteristics of mothers of children with attention deficit hyperactivity disorder as assessed by the Minnesota multiphasic personality inventory. *Psychiatry Investigation*, 5(4), 228–231.
- Mayer, S. E., Duncan, G., Kalil, A. (2004). Like mother, like daughter? SES and the intergenerational correlation of traits, behaviors and attitudes. University of Chicago.
- Duncan, G., Kalil, A., Mayer, S. E., Tepper, R., & Payne, M. R. (2005). *The apple does not fall far from the tree*. Russel Sage Foundation, Princeton University Press.
- McCrae, R. R. (1987). Creativity divergent thinking and openness to experience. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 1258-1265.
- Moradpour, S., Rostamy-Malkhalifeh, M., Behzadi, M. & H., Shahvarani, A. (2015). The study of the relationship between mothers' anxiety with the mathematical performance and students' anxiety. *Mathematics Education Trends and Research*, 1, 1-6.
- Mullineaux, P. Y., DiLalla, L. F. (2005). Childhood predictors of later creativity in early adolescence. Paper presented at the Society for Research on Child Development (SRCD) Biennial Meeting in Atlanta, GA, 7-10.
- Nikoogoftar, M., Seghatoleslam, S. (2015). The role of parenting styles in predicting adolescent behavioral and emotional problems. *Practice in Clinical Psychology*, 1(1), 23-30.
- Nichols, R. C. (1964). Parental attitudes of mothers of intelligent adolescents and creativity of their children. *Child Development*, 35 (4), 1041-1049.
- O'Neil, H. F., Abedi, J., Spielberger, C. D. (1994). The measurement and teaching of creativity. In H. F. O'Neil & M. Drillings (Eds), *Motivation: Theory and research*, 245-263.
- Rettew, D., Stanger, C., McKee, L., Doyle, A., Hudziak, J. (2010). Interactions between child and parent temperament and child Behavior Problems. *Comprehensive Psychiatry*, 47(5), 412–420.
- Runco, M. A. (1986). Divergent thinking and creative performance in gifted and non gifted children. *Educational and Psychological Measurement*, 46(2), 375-384.
- Singh, R. P. (1987). Parental perception about creative children. *Creative Child and Adult Quarterly*, 12(1), 39-42.
- Sherry, A., Henson, R. K. (2005). Conducting and interpreting canonical correlation analysis in personality research. *Journal of Personality Assessment*, 84(1), 37-48.
- Tennent, L., Berthelsen, D. (1997). Creativity: What does it mean in the family context? *Journal of Australian Research in Early Childhood Education*, 1, 91-104.
- Wallinga, C. R., Crase, S. J. (1979). Parental influence on creativity of fifth grade children. *Gifted Child Quarterly*, 23(4), 768-777.
- Zhang, Li – F. (2001). Do thinking styles contribute to academic achievement beyond abilities? *Journal of Psychology*, 135(6), 621–637.